



محسن سیروس مشاور ارشد رییس خانه صنعت و معدن

آخرین هشدار پیش از اجرایی شدن هدفمند سازی یارانه هابه تمامی
دوستاناران سر بلندی کشور

پرسش اساسی از اجرای هدفمند سازی یارانه ها

امروز بودجه ی عمرانی کشور تنها در حدود یک چهارم هزینه ای است که دولت برای پرداخت یارانه ها صرف می کند و ضمن اینکه توان بالاتر بردن بودجه ی عمرانی وجود ندارد، ظرفیت های بسیاری نیز بناچار در بودجه های سالانه دیده نمی شوند و در نوبت می مانند تا شاید بتوان آنها را برای سال های آینده مطرح نمود. آموزش و پرورش بعنوان بزرگترین و اصلی ترین پیش نیاز توسعه، همواره در سالهای متمادی با کسری بودجه های بزرگی

کمک نماید تا شهروندان احساس رفاه بیشتری نمایند و همانطور که ثابت شده است این رفاه تزریقی دارای ساختاری حقیقی نبوده و در کنار آن نیز موجی از مصرف زدگی در بسیاری از شاخه ها اتفاق افتاده و آمار مصرف برخی از کالاها را تا چندین برابر استانداردهای جهانی بالا برده و خود به بلای خانمان سوزی تبدیل گردیده است. اگر بخواهیم بطور گذرا نگاهی بر ساختار بودجه ای کشور ببینیم این مسئله روشن تر خواهد شد.

چشم انداز نگران کننده ی اقتصاد کشور، ضرورت هایی را برای ادامه ی راه نشان میدهد که در صورت بی توجهی به آنها، چالشهای سهمگینی را در آینده ی نزدیک شاهد خواهیم بود. متاسفانه امروز بنابر آمارهای اعلام شده در حدود یکصد میلیارد دلار از سرمایه ی ملی در هر سال صرف پرداخت یارانه ی کالای مصرفی جامعه می شود. عبارتی دولت صدمیلیارد دلار یارانه پرداخت می کند تا با پایین نگه داشتن سطح عمومی قیمت ها بطور مصنوعی،

تولید



مواجهه بوده و این روند بدون توجه به سطح درآمدهای تاسف بار جامعه ی آموزشی کشور ادامه یافته است که اصلاح اساسی ساختار درآمدی آموزگاران و نزدیک کردن آن به استانداردهای نسبی، خود بودجه ای در حدود سه برابر رقم فعلی بودجه ی آموزش و پرورش کشور را طلب میکند. از طرفی توان تزریق منابع مالی به سازمانهای حمایتی کشور وجود ندارد و در نتیجه این سازمانها نمی توانند اقدامات موثری را برای توانمند سازی و حمایت از اقلشار آسیب پذیر و کم درآمد برنامه ریزی کنند. در ایجاد و سازماندهی بسیاری دیگر از زیرساختهای ضروری توسعه ای نیز کمبود منابع مالی دولت مانع بزرگی را ایجاد کرده است. سالهاست که این مباحث که مشکلات ساختاری بسیاری را در بدنه ی اقتصاد کشور نشان میدهند، ضرورت ایجاد تحولی اساسی و ریشه ای در نظام پرداختهای دولت را گوشزد می کنند و گام نخست آن هدفمند نمودن هرچه سریعتر نظام پرداخت یارانه هاست که در پی آن بسیاری از منابع پولی دولت آزاد خواهند شد و میتوان برای صرف کردن آنها در امور زیربنایی و ضروری برنامه ریزی نمود و نتیجه ی تحقق این مسئله در سرعت گرفتن حرکت روبه توسعه کشور متبلور خواهد شد. نگارنده ی این سطور نیز طبق احساس وظیفه ملی و بر همین اساس در زمان آغاز عزم دولت محترم برای هدفمند سازی یارانه ها نامه ای را که در حقیقت اصلاحیه ای بر طرح دولت در این خصوص بود، از خانه صنعت و معدن در تاریخ ۲ شهریورماه ۱۳۸۷ به شماره ی ۱۰۰۱۴۳ / ۱ ب و ۸ ب و بهمراه طرحی که در ۱۱ صفحه به آن ضمیمه گردیده بود خطاب به ریاست جمهوری

ارسال نموده و انتظار آنرا داشتم که بازخوردی کوچک در میان طرح های در دست بررسی دولت داشته باشد و به گشایش برخی از مشکلات ساختاری موجود در طرح هدفمندسازی یارانه ها کمک نماید. متأسفانه طرح یادشده همچون بسیاری موارد مشابه با بی اعتنایی بدنه ی کارشناسان دولتی مواجه گردید و امروز در مرحله ای قرارداریم که پس از رفت و آمدهای مکرر و رایزنی های پیاپی نمایندگان دولت در مجلس و صرف حجم زیادی از توان کارشناسی دولت، قانون هدفمند سازی یارانه ها به شکلهای گوناگون مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته و بارها در شاکله ی کلی و زیرساختهای آن تغییرات اساسی ایجاد شد تا به نقطه ای رسیدیم که پیرو توصیه ی رهبرانقلاب به کم کردن اختلافات مجلس و دولت بر سر نحوه ی تصویب قانون، بالاخره توافق بزرگ دولت و مجلس شورای اسلامی در این خصوص اتفاق افتاد و قانون هدفمند کردن یارانه ها به مرحله ی اجرایی رسید. ولی اجرایی شدن این قانون بسیاری حرف و حدیث های جانبی را بدنبال دارد که سرفصل همه این حرف و حدیث ها یک سوال اساسی و غیر قابل گذشت است که مسکوت گذاشتن آن از جانب اهل فن و پاسخ ندادن به آن از طرف کسانی که با توافق خود در دولت و مجلس محترم زمینه سازی اجرایی شدن طرح هدفمند کردن یارانه ها را برعهده داشتند، می تواند کشور را در چشم برهم زدنی وارد یک بحران فراگیر نماید. سوال اساسی که پس از توافق دولت و مجلس در بحث هدفمند سازی یارانه ها بوجود آمده، این است که چگونه دولت در حالی که تاکنون سالانه یکصد هزار میلیارد تومان یارانه پرداخت می کرده است

و آثار این پرداخت با گوشت و پوست و خون اقتصاد ایران و لایه های مختلف اجتماعی آن عجین شده است، پس از این توافق بزرگ و اجرایی شدن قانون هدفمند کردن یارانه ها بحث هدفمند کردن را با رقم توافق شده ی ۳۵ هزار میلیارد تومان اجرایی خواهد نمود؟ و چگونه دولت و مجلس امید آنرا دارند که با اعمال انقباض ناگهانی، آنهم به مقیاس یک سوم اندازه ی واقعی در یک فرایند اقتصادی، هدفمندسازی یارانه ها ساختاری سالم و بدون نقص داشته باشد و بتواند کشور را به سرمنزل مقصود هدایت نماید؟ آیا اصولاً گردش مالی یکصد هزار میلیارد تومانی امروز را می توان در آینده با ۳۵ هزار میلیارد تومان، یعنی یک سوم رقم فعلی به انجام رسانید و شاهد بروز مشکلات و مصیبتهای ساختاری اجتماعی و اقتصادی در کشور نبود؟ وظیفه دارم که با توجه به حساسیت موضوع، با آوردن مثالی دو وجهی مطلب را روشن تر بیان کنم. افراد خانواده ای ۴ نفره که در مضیقه قرارداد و برای رفع تشنگی روزانه خود از یک بطری یک و نیم لیتری آب استفاده می کنند، با بحرانی روبرو می شوند که بناچار تصمیم می گیرند نیاز روزانه ی خود را با مصرف بطری های کوچک آب آشامیدنی مرتفع سازند و آنرا به سرعت عملیاتی می کنند. در این حالت تنها دو اتفاق محتمل بوقوع خواهد پیوست. نخست اینکه با کم شدن آب مصرفی این خانواده از یک و نیم لیتر به ۰/۳۵ لیتر در روز، یا آب کافی برای مصرف بدن به هیچیک از اعضای این خانواده نخواهد رسید و این مسئله خود را در کوتاهترین زمان ممکن بصورت بروز بیماری های مختلف در بدن



تومانی معادله‌ی اصلی نادیده گرفته شود و تا یک سوم حجم معادله‌ی اصلی را در معادله‌ی جدید جای دهند و بقیه‌ی میلیون‌ها معادله‌ی موجود را بحال خود رها سازند و به آینده واگذارند تا بازماندگان یا هوشمندانه‌یثارگری کنند و از حق خود بگذرند و یا اینکه آنها هم طبق مرسومات اقتصاد جهانی بر گرده‌ی دیگران سوار شوند و ذالو صفتانه خون اقتصاد کشور را بمکند و موجبات تسریع در گسترش بیماری کنونی و تضعیف بیشتر اقتصاد کشور را رقم زنند. در غیر اینصورت و در وجه دوم قضیه هم، قرار است دولت حجم یکصد هزار میلیارد تومانی معادلات جاری اقتصاد کشور را از ظرفی به همین گنجایش بیرون آورده و آنرا با حفظ اصالت و ویژگی‌های قبلی اش در ظرفی به گنجایش سی و پنج هزار میلیارد

تومان جای دهد! و داستان به آنجا ختم شود که بسیاری از فرصت‌های گران بهای این طرح در اثر نادیده گرفتن منافع بلند مدت کشور در توافق بزرگ از طرح سرریز شود و به هدر رود و طعمه‌ی گفتاران گردد و یا اینکه بنا بر کوچک شدن ناگهانی پوسته و عدم توان آن در حفظ هسته‌ی اصلی که اقتصاد ملی ایران است، انفجار بزرگی رخ دهد و چونان زلزله‌ای سهمگین همه چیز و همه کس را در چشم برهم زدن تار و مار نماید.

در خاتمه کلام امیدوارم مجلس شورای اسلامی و دولت به این سوال اساسی که پس از توافق بزرگ بوجود آمده است پاسخ دهند که برای جلوگیری از وقوع بحران‌هایی که در بالا ذکر گردید، چگونه اجرای این قانون را مدیریت خواهند کرد و حرکت ماندگار کشور به سوی توسعه همه جانبه اقتصادی را به سرانجام خواهند رسانید؟



باشند از ظرف ۳۵۰ میلی لیتری استفاده کنند که در این حالت هم بخاطر تغییر ظرفیت ناگهانی حجم ظرف به یک چهارم مقدار معمول قبلی، یا ظرف تاب فشار ایجاد شده‌ی حجم چند برابری را ندارد و می‌ترکد و تمام حجم آب به هدر می‌رود و یا بیش از سه چهارم آبی که هدف مصرف خانواده قرار گرفته بود بدون هیچگونه توجیه و هدف قبلی به هدر خواهد رفت و داستان حالت نخست همین مسئله تکرار خواهد شد و معضلات بزرگتری گریبان آن خانواده را خواهد گرفت. داستان توافق بزرگ دولت و مجلس بر سر هدفمندسازی یارانه‌ها هم دقیقاً با مثال دو وجهی ذکر شده در بالا مطابقت دارد و در وجه نخستین داستان، قرار بر این است که بخشی از میلیون‌ها معادله‌ی موجود در حجم یکصد هزار میلیارد

اعضای این خانواده نمایان خواهد کرد که خود داستانی مفصل خواهد داشت و بحران بزرگتری را برای اعضای خانواده بوجود خواهد آورد، یا اینکه بخشی از اعضای این خانواده با علم به اینکه بدن آنها به نوشیدن این آب نیازمند می‌باشد، ایثار گرانه از حق خود می‌گذرند تا دیگر اعضای خانواده بتوانند آب مورد نیاز بدن خود را بصورت نسبتاً کاملی دریافت نمایند که در این حالت هم نتیجه مشخص است و بخشی که از حق خود گذشت کرده است، پس از چند روزی در اثر نرسیدن آب گوارا به بدنشان تلف خواهند گردید و از چرخه‌ی حیات خارج می‌شوند. دومین وجه این مسئله هم در این است که بحث صرفه جویی در مصرف آب مطرح نباشد و شکل مصرف آب خانواده تغییر کند و با حفظ مصرف روزانه ۱/۵ لیتر، فقط مجاز

ادامه از صفحه ۴۲

ما باید سطح تولید را بالا ببریم. از فن آوری های نوین استفاده کنیم و نیروی فنی قوی در کشور تربیت کنیم. این سه عامل می تواند نسل آینده را نجات دهد. این حرف صحیحی است که سعادت کشور در گرو امنیت است. ولی امنیت فقط نظامی نیست، بلکه امنیت اقتصادی نیز دارای اهمیت است. در مجموعه ای که من در آن مشغول کار هستم، بیش از ۵۰۰ نفر کار دو شیفت و ۳۰ روز در ماه کار می کنند. تنها چیزی که از ما می خواهند آن است که حقوقشان به موقع پرداخت شود. ما هم به عنوان مدیر هر روز صبح زودتر به محل کار می آییم و شب دیرتر به خانه می رویم. زیرا می خواهیم این خواست به حق نیروی انسانی خود را پاسخگو باشیم. من معتقدم اگر به دنبال آسایش هستیم باید به آسایش دیگران هم احترام بگذاریم ولی متأسفانه توان ما بی نهایت و نامحدود نیست.

خبرنگار: شما از مسئولان دولتی چه انتظاری دارید؟

- از مسئولان دو چیز می خواهیم یکی لیاقت و دیگری عدالت. ما توقع داریم افراد برجسته و کاردان بر سر کارها باشند تا شرایط را درک کنند. شما اگر هدایت یک هواپیما را به فردی که آگاهی چندانی از فن خلبانی ندارد بدهید، مسلماً آن هواپیما دیر یا



زود سقوط خواهد کرد. ما نمی توانیم انتظار داشته باشیم افرادی کم تجربه جایگزین کسانی شوند که ۳۰ سال در رشته خود تجربه و سابقه دارند. حتی سواد دانشگاهی هم نمی تواند جایگزین تجربه شود.

در کارخانه های ما افرادی کار می کنند که از سواد آکادمیک بالایی برخوردار نیستند ولی به خاطر تجربه و کاردانی توان بالایی دارند و دستمزد های خوبی هم دریافت می کنند. این مسائل فرمول های سختی نیست و قرار نیست ما چرخ را دوباره اختراع کنیم. راه حل همگی موجود است. کشور ما از انرژی، امکانات اقتصادی، سد، نیروگاه و انسان های متخصص و متعهد به اندازه کافی برخوردار است. اگر شرایط مدیریتی کشور ایجاد کند و زمینه مهیا شود، با در صد جمعیت باسواد که داریم، می توانیم به

سرعت در جهت رشد و شکوفایی متحول شویم.

خبرنگار: نظر شما در مورد سیاست بانک ها در قبال صنعت کشور چیست؟

بانک ها هم ظاهراً بیشتر در خدمت تجار هستند تا صنعتگران. یک صنعتگر وامی را که دریافت می کند با ۳۰ درصد بهره باز پرداخت می نماید، در صورتی که تجار و واردکنندگان با سودی به مراتب کمتر و شرایطی بسیار آسان تر وام دریافت می کنند. کسانی هستند که مبالغی کلان، با ضمانت سفته دریافت کرده بلافاصله سوار هواپیما شده کشور را ترک کرده اند. کاری هم از عهده هیچ کس بر نمی آید در حالی که صنایع اگر وامی دریافت کنند، آن را به زمین مملکت بیچ می کنند و هرگز نمی توانند چیزی از کشور خارج کنند مگر توان و تجربه خود را.

خبرنگار: آینده را چگونه می بینید؟

اگر قیمت ها افزایش یابد به نفع صنعت نیست. اگر روابط بین المللی تیره باشد امکان صادرات از بین می رود و باز هم به نفع تولید کننده نیست. اگر منافع ملی ایجاد می کند که جلو قدرت های خارجی بایستیم، ما حاضریم، چندان که تاکنون ایستاده ایم، ولی به شرط اینکه سرمایه مملکت برای واردات اسباب بازی و کالاهای غیر استاندارد صرف نشود.

